



نگاهی تحلیلی به روند تحول سیستم ضمانت سپرده و نقش آن در فرایند حل و فصل و ثبات مالی نظام بانکی

مهسا فرخنده^۱

حسن قالیباف اصل^{۲*}

علی صفدری وایقانی^۳

مصطفی سرگلزایی^۴

چکیده

پیامدهای ناگوار بحران‌های مالی اخیر بر اقتصاد جهانی، اعمال سیاست‌هایی برای عایق‌بندی سیستم‌های مالی از شوک‌های خارجی را ضروری کرد. با توجه به اثرات منفی ناشی از ورشکستگی بانک‌ها مخصوصاً بانک‌های بزرگ، مکانیسمی تحت عنوان نظام حل و فصل بانکی تعریف شد تا قبل از این که بانک بحران‌زده ورشکسته تلقی شود، آن را به مسیر سلامت بازگرداند. در این راستا، سیستم ضمانت سپرده به عنوان یکی از ارکان شبکه ایمنی مالی می‌تواند ضمن جلوگیری از هجوم بانکی در شرایط ناتوانی و بحران بانک‌ها، فرصتی برای ایجاد قوانین و فعالیت‌های اجرایی به منظور حل و فصل سریع آن‌ها فراهم کند. از این رو، هدف از این مطالعه بررسی و تحلیل نقش و جایگاه سیستم ضمانت سپرده در فرایند حل و فصل نظام بانکی است. پس از بررسی و تحلیل نظری، برای درک میزان نقش سیستم ضمانت سپرده در فرایند حل و فصل نظام بانکی در سطح جهان، با استفاده از آمارهای جهانی به واقعیت‌های آماری و حقایق تجربی پرداخته شد. این پژوهش، به درک بهتر جایگاه نظام حل و فصل بانکی و نقش سیستم ضمانت سپرده در سطح جهانی و به تبع، به کارگیری آن در نظام بانکی کشور می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: ضمانت سپرده، انجمن بین‌المللی بیمه‌گذاران سپرده، رژیم حل و فصل بانکی، توقف و ورشکستگی بانک.

طبقه‌بندی JEL: G11، G22، P43 و G21.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، دانشگاه الزهرا تهران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، تهران، ایران؛
m.farkhondeh@alzahra.ac.ir

۲. دانشیار، گروه مدیریت، دانشگاه الزهرا تهران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): @h.ghalibafasi
alzahra.ac.ir

۳. دانشیار، گروه ریاضی و آمار، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ریاضی و آمار، تهران، ایران؛ asafdari@atu.ac.ir

۴. استادیار، گروه آموزشی مالی و بانکداری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت و حسابداری، تهران، ایران؛
mostafa.sargolzaei@atu.ac.ir

مقدمه

بعد از به وجود آمدن بحران‌های مالی جهانی، همواره توقف و ورشکستگی بانک‌ها در نظام پولی و مالی کشور به‌عنوان شریان حیاتی توسعه و ثبات اقتصادی از حوزه‌های بحث‌برانگیز و حساس از لحاظ اقتصادی، مالی و اجتماعی بوده و از توجه ویژه‌ای برخوردار است (ایقان و جرو،^۱ ۲۰۲۰). اهمیت این موضوع از آنجا نشأت می‌گیرد که ورشکستگی و توقف بانک با اهمیت سیستمی، می‌تواند اثرات مسری در صنعت بانکداری به‌دنبال داشته و باعث اختلال و بحران شدیدتری در کل نظام اقتصادی، صنایع و بازارهای مالی شود که خود عواقب اجتماعی، اقتصادی و امنیتی برای کشور در پی خواهد داشت (نومن و همکاران،^۲ ۲۰۲۲).

به‌طور کلی، دو نوع رژیم شامل رژیم‌های مبتنی بر قانون ورشکستگی شرکت‌ها و رژیم‌های حل‌وفصل بانکی برای مقابله با ورشکستگی شبکه بانکی وجود دارد. در رژیم‌های مبتنی بر قانون ورشکستگی شرکت‌ها، رسیدگی به موضوع ورشکستگی توسط دادگاه صورت می‌گیرد و تابع قوانین مربوط به ورشکستگی است (بک و همکاران،^۳ ۲۰۲۰)؛ اما در بحران مالی سال ۲۰۰۸ همواره یکی از نگرانی‌هایی که وجود داشت این بود که ورشکستگی مؤسسات مالی بزرگ باعث اختلال در ارائه خدمات حیاتی نظام بانکی و سرایت آن به سایر بخش‌های مالی اقتصادی می‌شود و این امر به‌تبع هزینه‌های هنگفت بیشتری را به‌دنبال خواهد داشت. به‌عنوان مثال، یکی از راهکارهایی که بانک‌ها به‌اشتباه به‌منظور نجات خود در شرایط بحران به کار می‌گیرند این است که با استفاده از سپرده‌های موجود دوباره وارد سرمایه‌گذاری‌های ریسکی می‌شوند. این در حالی است که، چنین راهکاری می‌تواند ثبات مالی شبکه بانکی را از طریق ایجاد فزاینده مخاطرات اخلاقی، بیشتر مورد تهدید قرار دهد (والتر و وایت،^۴ ۲۰۲۰). در این راستا و به‌منظور رفع پیامدهای ناشی از ورشکستگی بانک‌های بحران‌زده مخصوصاً بانک‌های بزرگ، رهبران G20 متعهد شدند که با طراحی رژیم‌های حل‌وفصل بانک‌ها به این مشکل پایان دهند (استاب،^۵ ۲۰۱۶).

نظام حل‌وفصل بانکی^۶ به‌عنوان تجدید ساختار منظم بانک در مواجهه با ناتوانی مالی بالقوه، تعریف می‌شود. این تأمین مالی، با استفاده از ابزارهای موجود برای افزایش سرمایه صورت می‌گیرد

1. Ebiaghan & Jeroh
2. Noman et al
3. Beck et al
4. Walther & White
5. Stubbe
6. Resolution Regime

(بلک و وارنبرگ^۱، ۲۰۱۹). در واقع، منظور از حل و فصل نظام بانکی مکانیسمی است که به کمک آن زمانی که بانک بحران زده از مرزهای سلامت عبور می کند، قبل از این که ورشکسته تلقی شود، بتواند همواره به خدمات پرداخت و تسویه خود ادامه دهد؛ طوری که نیازی به کمک مالی دولت برای نجات بانک نباشد (بک و همکاران، ۲۰۲۰).

به طور کلی نظام حل و فصل از لحاظ قانون گذاری در مؤسسات مالی که تحت پوشش آن قرار می گیرد به دو دسته تقسیم می شود. دسته اول شامل بانکها و مؤسسات دارای اهمیت به اصطلاح «بزرگ تر از آن است که ورشکست شود» می شود. این نظریه این مفهوم را می رساند که بنگاه تجاری به اندازه ای بزرگ است که به دلیل نقش کلیدی آن در نظام بانکی، دولت در شرایط ورشکستگی به کمک آن می آید تا از بحران نجات یابد (فیلیپین و سالورد^۲، ۲۰۱۷)؛ اما نتایج نشان می دهد که هزینه های هنگفت ورشکستگی این مؤسسات مالی، پیامدهای مخرب و گسترده تری را برای نظام پولی و مالی و به تبع اقتصاد کشور به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال کمک های مالی و ضمانت های عمومی دولت در مواجهه با ورشکستگی می تواند پتانسیل ایجاد مخاطرات اخلاقی در این مؤسسات را افزایش دهد؛ طوری که حل این مسائل به مراتب بیشتر و پیچیده تر شود. از این رو، راه حل پیشنهادی که به منظور جلوگیری از این پیامدهای منفی در نظر گرفته شده است، به کارگیری نظام حل و فصل بانکی است (بولتون و اومکه^۳، ۲۰۱۹).

در پژوهش های اخیر، کرایچ و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که در شرایط بحرانی، مداخلات دولت به عنوان راه حل کلیدی برای نجات بانک های با اهمیت سیستمی، پیامدهای مطلوبی به همراه ندارد. آن ها ادعا کردند که به کارگیری ابزارهای نظارتی جدید رژیم حل و فصل بانکی مانند نجات از درون، از جمله روش های قدرتمندی است که می تواند در حل این مسئله متمر ثمر باشد، ضمن این که نیازی به دخالت دولت ندارد. آن ها دریافتند که به کارگیری ابزارهای مطلوب رژیم حل و فصل بانکی با بهبود ثبات مالی بانک های بحران زده و کاهش ریسک سیستمی همبستگی مثبت دارد (کریچ و همکاران^۴، ۲۰۲۲). بری و همکاران^۵ (۲۰۲۳) نیز ضمن بررسی اثربخشی نظام حل و فصل بانکی در ۱۸ کشور اروپایی طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۹ دریافتند که در میان ابزارهای موجود نظام حل و فصل بانکی، تفکیک دارایی های از بین رفته مؤثرتر از سرمایه گذاری مجدد بانک های بحران زده

1. Balke & Wahrenburg
2. Philippon & Salord
3. Bolton & Oehmke
4. Kryg et al
5. Brei et al

توسط دولت بوده است. آن‌ها نشان دادند که بانک‌هایی که به تجدید سرمایه از وجوه تزریق شده می‌پردازند، عمدتاً از این وجوه برای بهبود ترازنامه خود از طریق کاهش وام استفاده کرده‌اند و بانک‌هایی که به تفکیک دارایی‌ها پرداخته‌اند، به تدریج وام خود را افزایش داده‌اند. همچنین، نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که بانک‌هایی که از هر یک از دو مکانیسم در مواجهه با بحران بانکی استفاده می‌کنند، کاهش قابل توجهی را در هزینه تأمین مالی و همچنین تأمین مالی مبتنی بر سپرده تجربه کرده‌اند.

دسته دوم، نظام حل و فصل برای بانک‌های بیمه شده است. در این دسته، فرایند حل و فصل بانک‌های بحران زده بر اساس استانداردهای قانون ضمانت سپرده فدرال صورت می‌گیرد. در این فرایند، دادگاه در نظام ورشکستگی نقشی ندارد و رسیدگی در این حوزه بر عهده نظام ضمانت سپرده است. اولین سیستم ضمانت سپرده جهان در سال ۱۹۳۳ در ایالات متحده تأسیس شد (جای و همکاران^۱، ۲۰۱۸). سیستم ضمانت سپرده از دیگر ارکان شبکه ایمنی مالی است که با وظیفه ایمن‌سازی و بهبود ثبات سیستم مالی مرتبط هستند؛ طوری که این سیستم همراه با سایر عناصر شبکه ایمنی مالی، با ایجاد محیطی مطمئن ثبات ملی را برای سیستم‌های مالی علی‌الخصوص نظام بانکی فراهم می‌کند (وو و همکاران^۲، ۲۰۲۰). در واقع پس از بحران‌های مالی اخیر، ضمانت سپرده به دلیل نقش حیاتی در جلوگیری از ضعف کارکرد بانک‌ها و توانایی‌شان در تأمین نقدینگی، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است (گریرا و همکاران^۳، ۲۰۱۶). اهمیت جایگاه سیستم ضمانت سپرده به عنوان یک عملکرد پیش‌بینی شده مطمئن (آفنیا و همکاران^۴، ۲۰۱۹)، به منظور افزایش امنیت و ارتقا ثبات سیستم مالی بانک‌ها در زمان بحران مالی (بریز و همکاران^۵، ۲۰۲۱) و جلوگیری از پدیده هجوم بانکی^۶ به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است (پی و وراکینو^۷، ۲۰۱۹). در واقع وجود طرح ضمانت سپرده صحیح، باعث ارتقای رقابت شده و افزایش استفاده از سپرده‌های پس‌انداز و تسهیل دسترسی بیشتر به خدمات وام‌دهی را به ارمغان می‌آورد (کوزینسکا^۸، ۲۰۲۱).

1. Ji et al
2. Wu et al
3. Grira et al
4. Afnia et al
5. Britz et al
6. Bank Run
7. Peia & Vranceanu
8. Kozińska

ضمانت سپرده علاوه بر کاهش احتمال پدیده هجوم بانکی، مزایای اقتصادی غیرمستقیم دیگری نیز به همراه دارد. اخیراً بیشتر طرح‌های ضمانت سپرده، قوانین و مکانیسم‌های رسمی را به منظور حل و فصل بانک‌های ورشکسته در نظر گرفته‌اند. ایجاد طرح رسمی ضمانت سپرده می‌تواند فرصتی برای ایجاد قوانین و مقررات به منظور حل و فصل سریع بانک‌هایی که دچار بحران مالی شده‌اند، فراهم کند (آرگینجر و دمیرگ کنت ۱، ۲۰۱۸). در سال‌های اخیر نیز این امر در اصول و گزارش‌های انجمن بین‌المللی بیمه‌گذاران سپرده بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که سیستم ضمانت سپرده به چه میزان و چطور می‌تواند بر فرایند حل و فصل و ثبات نظام بانکی تأثیرگذار باشد؟ پیامدهای منفی ناشی از توقف و ورشکستگی نظام بانکی در ایران و لزوم به کارگیری نظام حل و فصل مطلوب به عنوان رکن مهم ثبات مالی کشور، از جمله مواردی است که ضرورت به کارگیری صحیح و بهینه مکانیسم‌های مؤثر از جمله سیستم ضمانت سپرده را که از ارکان سیستم ایمنی مالی است، فراهم می‌کند. این مطالعه سعی دارد تا با ارائه مباحث مفهومی و کمی این مکانیسم در سطح جهانی، نسبت به روند و راهکارهای مطلوب و سازگاری که می‌تواند جهت رسیدن به این هدف در کشور مثمر ثمر واقع شود، شناخت پیدا کرده و شکاف موجود در این زمینه را برطرف کند و در نهایت با ارائه الگو و راهکارهای مناسب، کمک مؤثر و ارزشمندی را به نظام بانکی کشور در اتخاذ تصمیمات مطلوب‌تر و به تبع، ایجاد ثبات مالی ارائه نماید.

از این رو، در این پژوهش ابتدا مطالعه جامع و دقیقی از ادبیات نظری پژوهش در زمینه نظام حل و فصل بانکی، ضمانت سپرده، انواع اختیارات و سیر تحولات آن در سطح جهانی ارائه می‌شود. سپس به تحلیل و بررسی نقش و جایگاه سیستم ضمانت سپرده در فرایند حل و فصل و ثبات نظام بانکی و ارائه الگویی کاربردی در این راستا در سطح ملی کشور پرداخته می‌شود. در نهایت با بحث و بررسی نتایج پژوهش، پیشنهادهایی به منظور دستیابی به نتایج مطلوب موضوع پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری

نظام حل و فصل بانکی

حل و فصل^۲ در لغت به معنی رفع، حل، برطرف‌سازی یا چاره‌نمودن است. حل و فصل در نظام بانکی به فرایندی تلقی می‌شود که با هدف حل و فصل دائمی بانک‌های بحران‌زده و در معرض ناتوانی مالی یا

1. Anginer & Demirguc-Kunt

2. Resolution

بانک‌هایی که در معرض توقف هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در استانداردهای بین‌المللی ارائه شده توسط هیئت ثبات مالی بیان شده است که هدف از حل و فصل نظام بانکی این است که بانک‌های در معرض ناتوانی مالی همچنان بتوانند خدمات پرداخت و تسویه خود را ادامه دهند؛ طوری که ثبات مالی و اقتصادی کشور به خطر نیفتاده و نیازی به کمک مالی دولت و منابع مالکان بانک برای نجات بانک نباشد (آتینجر^۱، ۲۰۲۱). با توجه به زیرساخت‌های نظام بانکی کشور، در ایران نظام حل و فصل بانکی به عنوان روشی قانونی با ابزارهای خاص برای حل مشکلات بانک‌های بحران زده و در معرض ورشکستگی تعریف شده است طوری که کمترین آسیب به نظام بانکی و اقتصادی کشور وارد شود (عیسایبی تفرشی و شیروانی، ۱۳۹۹).

لازم به ذکر است که عملکرد فرایند ورشکستگی و نظام حل و فصل کاملاً متفاوت است. زمانی حکم ورشکستگی برای موسسه‌ای صادر می‌شود که توقف بنگاه در پی شکایت از دادگاه به خاطر عدم توانایی پرداخت دیون و صدور حکم قضایی صورت گرفته باشد، اما نظام حل و فصل بدون نیاز به حکم دادگاه و شکایت طلبکاران انجام می‌شود و برای اجرای آن تنها نظر مقام ناظر مالی یا هر مقامی که در قانون مشخص شده است، حکم می‌شود. همچنین، همان طور که در استانداردهای هیئت ثبات مالی قید شده است، مرجع حل و فصل نظام بانکی باید پیش از ورشکستگی و از بین رفتن کل سرمایه وارد عمل شود (محرابی، ۱۳۹۹).

سازوکارهای مختلفی برای حل و فصل بانک‌های بحران زده وجود دارد که عبارت‌اند از ادغام^۲ بانک بحران زده با بانک‌های سالم که از قدرت بیشتری برخوردار هستند، تغییر ساختار سرمایه بانک‌های بحران زده که بر تغییر روش‌های تأمین مالی متمرکز است، معامله خرید و ایجاد تعهد^۳ از طریق انتقال دارایی و بدهی به نهاد مالی سالم یا بانک رابط^۴، استفاده از ابزارهای نجات از درون^۵ و از بین بردن بخشی از مطالبات سهام‌داران موجود (اسچیلیگ^۶، ۲۰۱۴). ادبیات و پژوهش‌های اخیر حاکی از آن است که روش نجات از درون نسبت به سایر ابزارها، از تأثیرگذاری بیشتری در فرایند حل و فصل بانک‌های بحران زده برخوردار بوده است. به عنوان مثال بک و همکاران (۲۰۲۱) تأثیر ابزارهای نجات از درون را بر زنجیره اعتباری در نظام بانکداری پرتغال مورد تحلیل قرار دادند و

1. Attinger
2. Merge
3. Purchase & Assumption
4. Bridge bank
5. Bail in
6. Schillig

اذعان داشتند که به کارگیری این روش تأثیر مثبتی در کاهش وام‌دهی بانک‌های بحران‌زده به‌همراه داشته است. آن‌ها نشان دادند که ابزار نجات از درون نسبت به تأمین مالی‌های خارجی، هزینه‌های بحران و به‌تبع هزینه‌های عمومی را کاهش داده است و می‌تواند تحت سناریوهای معین فعالیت‌های اقتصادی آسیب‌دیده را احیا کند. پژوهش‌های دیگر نیز مؤید این امر بوده‌اند که به کارگیری ابزارهای نجات از درون رفتار مخاطرات اخلاقی را در شبکه بانکی به‌طور معناداری کاهش داده است. (مارتینوا و پروتی^۱، ۲۰۱۸؛ ایگناتوفسکی و کورته^۲، ۲۰۱۴).

در ایران نیز بنا به مواد تبیین شده در قانون تجارت^۳ و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۷^۴، سه‌راه‌حل در مواجهه با بانک‌های دچار ناتوانی مالی و ضعیف پیش‌بینی شده است. اولین راه‌حل تحت عنوان مداخله زود هنگام^۵ بانک مرکزی برای بهبود وضع بانک و بازگرداندن آن در مسیر سلامت است. در این روش با مداخله شدیدی که بانک مرکزی بدین منظور دارد، احتمال اداره مستقیم بانک مرکزی و یا قابلیت واگذاری مدیریت بانک به افراد منصوب به مجمع عمومی بانک مرکزی وجود دارد. راه‌حل دوم به‌نوعی به نظام حل‌وفصل بانکی اشاره می‌کند که بنا به آن مجوز بانک مرکزی لغو شده و نهایتاً تصفیه بانک را به‌دنبال خواهد داشت. در این روش، فرایند تصفیه بدون مراجعه بانک به دستگاه قضایی انجام می‌شود و مدیر تصفیه را بانک مرکزی به شورای پول‌واعتبار به‌منظور تأیید پیشنهاد می‌دهد. در نهایت سومین راه‌حل به ورشکستگی عادی بانک که تنها با حکم دادگاه امکان‌پذیر است، انجام می‌شود. در این روش، انتخاب مدیر تصفیه بر عهده دادگاه است (طباطبایی نژاد، ۱۳۹۴). این‌طور برداشت می‌شود که در راه‌حل‌های ارائه شده در این قوانین، عملکرد نظام حل‌وفصل و ورشکستگی بسیار به هم نزدیک است و نمی‌تواند آن‌طور که مطلوب است به کارایی لازم منتج شود، بنابراین بهتر است با ارائه سازوکارهای بهینه متناسب با استانداردهای جهانی، از ضعف‌های آن کاسته و به سمت عملکرد مطلوب با کارایی بیشتر سوق داد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

1. Martynova & Perotti

2. Ignatowski & Korte

۳. ماده ۴۱۲ تا ۵۷۵

۴. ماده ۵

5. Early Intervention

سیستم ضمانت سپرده و انواع آن

ضمانت سپرده، ضمانتی برای محافظت از سپرده‌گذاران بانک در برابر ریسک ناتوانی بانک‌ها به منظور بازپرداخت تعهدات آن‌ها در موعد مقرر است (دیبوس^۱، ۲۰۲۱). بنابه تعریف سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۲ (OCDE)، طرح ضمانت سپرده الگوی متعارفی است که توسط قانون پایه‌گذاری شده تا بدین وسیله زیان‌های سپرده‌گذاران به تبع بحران‌های بانکی کاهش پیدا کند (اسچیلیگ، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، ضمانت سپرده سیستمی است که براساس آن در مؤسسات مالی بیمه‌شده، تمام یا بخشی از سپرده‌ها و بهره‌ی آن‌ها تضمین می‌شود (گتی و الیور^۳، ۲۰۲۱). هدف از اجرای این طرح، ایجاد اطمینان برای سپرده‌گذاران کوچک در بازارهای مالی و کاهش ریسک سیستمی در مواجهه با بحران‌های مالی است که در نتیجه خروج یک‌باره سپرده‌ها از بانک‌ها به وجود می‌آید (پیا و ورکینو^۴، ۲۰۱۹). این نظام می‌تواند به صورت خصوصی و یا به کمک بودجه دولتی تأمین شود (برث و همکاران^۵، ۲۰۲۱). مکانیسم ضمانت سپرده این گونه است که بانک‌ها بابت قرض گرفتن پول، بدهی ایجاد می‌کنند و تعهد می‌کنند که در یک تاریخ مشخص (تاریخ سررسید) آن را بازپرداخت کنند. در صورتی که بانک نتواند به تعهد خود در قبال بازپرداخت عمل کند، مجبور است با تسلیم دارایی‌های خود این کار را انجام دهد. در تاریخ سررسید، دو حالت وجود دارد. هنگامی که ارزش دارایی از تعهدات وعده داده‌شده بزرگ‌تر باشد، پرداخت بنابه حقوق صاحبان سهام آن انجام می‌شود. از طرف دیگر، وقتی ارزش دارایی کمتر از تعهدات وعده داده‌شده باشد، دیگر بانک قادر به انجام آن نخواهد بود. در این حالت، یک ضامن می‌تواند برای پرداخت وعده داده‌شده اقدام کند و بانک باید دارایی را به ضامن تسلیم کند. از این رو، ضامن هزینه‌ای را به منظور ضمانت دریافت می‌کند یا به عبارتی حق بیمه از بانک می‌گیرد (آفنیا و همکاران^۶، ۲۰۱۹).

سیستم ضمانت سپرده به دو نوع کلی سیستم ضمانت سپرده ضمنی^۷ و صریح^۸ دسته‌بندی می‌شود. ویژگی اصلی ضمانت سپرده ضمنی فقدان قانون و سایر قوانین مرتبط با ضمانت سپرده است. در واقع در این نوع از طرح ضمانت سپرده انتظار می‌رود که دولت به هنگام ورشکستگی

1. Dubois
2. Organization for Economic Co-operation and Development
3. Gatti & Oliviero
4. Peia & Vranceanu
5. Barth et al
6. Afnia et al
7. Implicit deposit insurance scheme
8. Explicit deposit insurance scheme

بانک‌ها با ارائه حمایت‌های مالی به محافظت از نظام بانکی پردازد (پنیکاس^۱، ۲۰۲۱)؛ به‌عنوان مثال می‌تواند امکان پرداخت سپرده‌ها از بودجه دولت یا انتقال سپرده‌ها به بانکی با سلامت مالی مطلوب را فراهم آورد. این راهکارها عمدتاً به منظور حفظ اعتماد عمومی و رفاه اجتماعی و جلوگیری از آسیب‌های شدید به نظام مالی کشور برنامه‌ریزی می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های ضمانت سپرده ضمنی این است که رویه‌ای مشخص و تعریف‌شده برای جبران سپرده‌ها وجود ندارد. اگر فرض ضمنی طرح ضمانت سپرده وجود داشته باشد، دولت ممکن است اقدامات متفاوتی را انجام دهد و قوانین متفاوتی را در هنگام ورشکستگی بانک‌ها اعمال کند تا سپرده‌ها را در دسترس سپرده‌گذاران قرار دهد؛ مثلاً دولت می‌تواند هنگام انتقال سپرده‌ها به بانک سالم دیگر به میزان کامل یا محدود، بانک ورشکسته را با منابع بودجه‌ای خود مجدداً تأمین سرمایه کند و یا برای مدت محدودی سپرده‌گذاری را متوقف کند و زیان آن را پوشش دهد. همچنین می‌تواند تصمیم بگیرد که دارایی‌های بانک ورشکسته را بخرد. با این حال، این اقدامات رویکرد استانداردی را برای مداخله دولت تضمین نمی‌کند (برث و همکاران، ۲۰۲۱).

همه این اقدامات و تلاش‌های متفاوت ممکن است باعث ایجاد عدم اطمینان و رفتارهای نابرابر و ترجیحی برای گروه‌های مختلف سپرده‌گذاران (سپرده کوچک در مقابل بزرگ و سپرده‌های اشخاص حقیقی در مقابل اشخاص حقوقی) شود که از ابتدا مشخص نیست (یی^۲، ۲۰۲۲). سپرده‌گذاران ممکن است براساس تجارب گذشته انتظارات زیادی از محافظت و ضمانت برای سپرده‌هایشان داشته باشند و در صورت افشای اخبار ورشکستگی بانک، ناامیدی و ترس بر آن‌ها غالب شده و با برداشت بیشتر سپرده‌هایشان و پدیده هجوم بانکی منجر به ورشکستگی شدیدتر بانک و به تبع، اثرات مسری حاصل از آن در سایر بانک‌ها شوند. با این شرایط، سپرده‌گذاران هیچ‌گاه اطمینان و امنیت نخواهند داشت که آیا در صورت ورشکستگی بانک، متحمل ضرر خواهند شد یا خیر؛ چراکه هر نوع حمایت به اراده آزاد (و منابع مالی) دولت بستگی دارد (هولسچر^۳، ۲۰۰۶). از طرفی مداخلات منظم دولت به هنگام ورشکستگی بانک‌ها با فرضیات اقتصاد مدرن مطابقت ندارد. امروزه مداخلات دولت تنها زمانی توجیه می‌شود که به‌عنوان آخرین راه‌حل در موارد خاص و استثنا در زمان بحران در نظر گرفته شود؛ طوری که تمام راه‌حل‌های امکان‌پذیر قبلاً مورد ارزیابی و آزمایش

1. Penikas

2. Ye

3. Hoelscher et al

قرار گرفته باشد. این نارسایی‌ها باعث به وجود آمدن طرح ضمانت سپرده صریح شده است (کوزینسکا، ۲۰۲۱).

طرح ضمانت سپرده صریح، یک ضمانت سپرده قانونی است که مقدار پوشش سپرده‌ها در زمان ورشکستگی و جزئیات مربوط وظایف صندوق ضمانت سپرده، در آن تعریف و تبیین شده است. این مکانیسم توسط قانون تأیید شده است. به عبارت دیگر، یک سیستم مستقر وجود دارد که در تئوری و همچنین در عمل، سپرده‌های بانک را براساس قوانین و رویه‌های یکسانی که در قوانین ملی توضیح داده شده، تضمین می‌کند (حسن و همکاران^۱، ۲۰۲۲).

در برخی کشورها قوانین متعددی برای ضمانت سپرده تنظیم می‌کنند. قانون حقوقی مذکور باید عناصر اصلی طرح ضمانت سپرده را تعریف کند تا هرکسی که قانون را می‌خواند، ایده روشنی داشته باشد که چه چیزی، چگونه و توسط چه کسی تنظیم می‌شود. در این صورت، عموم مردم از طرح ضمانت سپرده ایجاد شده و نحوه عملکرد سیستم و تأثیر آن بر سپرده‌هایشان آگاه خواهند بود. همچنین، قوانین فرعی همراه نیز باید جزئیات باقیمانده را مشخص کند. قانون طرح ضمانت سپرده باید تعاریف روشنی ارائه دهد و حداقل ویژگی‌های کلیدی طرح ضمانت سپرده را تجویز کند تا مخاطبین بتوانند ویژگی‌های طرح ضمانت سپرده، سطح و دامنه حمایت از سپرده‌گذاران را درک کنند (کوزینسکا، ۲۰۲۱).

به طور خاص، قانون طرح ضمانت سپرده در هر کشوری باید حاوی مقررات روشنی در مورد ساختار قانونی، حکومت، دستور و پوشش طرح ضمانت سپرده، میزان و دامنه پوشش، سازوکار پرداخت، مهلت‌ها و رویه‌های قانونی، اختیارات و مسئولیت‌های نهادهای حاکمیتی قانون طرح ضمانت سپرده، الزامات حسابداری و گزارشگری، منابع تأمین مالی (عادی، ویژه، فوق‌العاده)، همکاری و تبادل اطلاعات با قانون‌گذاران بانکی و غیره باشد. به علاوه، قانون باید تاریخ لازم‌الاجرا شدن ضمانت سپرده را مشخص کند و همچنین، اصول بررسی و افزایش سطح پوشش ضمانت سپرده را ارائه کند. قانون باید به شکلی منطقی، مطابق با قواعد قانونی ملی و به صورت شفاف تنظیم شود (محمد و نیاشاما^۲، ۲۰۱۹).

1. Hasan et al

2. Mohammad & Nishiyama.

سیر تحولات سیستم ضمانت سپرده

قبل از بحران مالی بین‌المللی سال ۲۰۰۸، نقش ضمانت سپرده عمدتاً به جلوگیری از ضعف کارکرد بانک‌ها به هنگام ورشکستگی و پرداخت سریع و کارآمد سپرده‌های تضمین‌شده محدود بود. در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا، ترکیه، کره جنوبی، مالزی و چند کشور دیگر به دنبال تجربیات دردناک گذشته حاصل از بحران‌های بانکی در این کشورها، ضمانت سپرده نقش و جایگاه مهمی را در ایجاد ثبات مالی ایفا کرد. در پاییز ۲۰۰۸، زمانی که بحران مالی بین‌المللی در سراسر جهان گسترش یافت، سپرده‌گذاران آشفته بدون توجه به وضعیت مالی و سلامت بانک‌ها، سپرده‌های خود را از بانک‌ها خارج کردند. در طول بحران مالی، ۴۸ منطقه سیستم ضمانت سپرده موجود را به‌عنوان بخشی از اقدامات ثبات مالی تقویت کردند که در آن ۱۹ منطقه به ضمانت کامل سپرده‌گذاران یعنی «ضمانت عمومی» پرداختند، ۲۲ منطقه به‌طور دائم پوشش ضمانت سپرده را افزایش دادند و ۷ منطقه به‌طور موقت میزان پوشش تضمین سپرده را افزایش دادند. بلافاصله پس از اعلام اقدامات روزافزون از طریق افزایش پوشش، سپرده‌گذاران احساس امنیت نسبی کرده و برداشت پول ناشی از ترس فروپاشی سیستم مالی متوقف شد (برث و همکاران، ۲۰۲۱).

این تنها آغاز ابتکارات مربوط به ضمانت سپرده و اثرات مثبت حاصل از به‌کارگیری آن بود که توانست ثبات مالی بیشتری را برای نظام مالی بانکی کشور رقم بزند. اتحادیه اروپا چارچوب قانونی ضمانت سپرده خود را با توسعه دستورالعمل طرح‌های تضمین سپرده^۱ (DGSD) جدید که پس از چندین سال بحث و گفتگو در نیمه اول سال ۲۰۱۴ تصویب و منتشر شد، ارتقا داد (هان و ملکی، ۲۰۱۳).

باید به این موضوع اذعان داشت که همواره تعیین میزان پوشش سپرده‌ها توسط ضمانت سپرده و حق ضمانت سپرده چالش برانگیز بوده است. از این رو مقامات بسیاری از کشورها اغلب به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که آیا حق ضمانت سپرده منصفانه است یا خیر؟ یا پوشش مناسب توسط حق ضمانت سپرده چگونه است؟

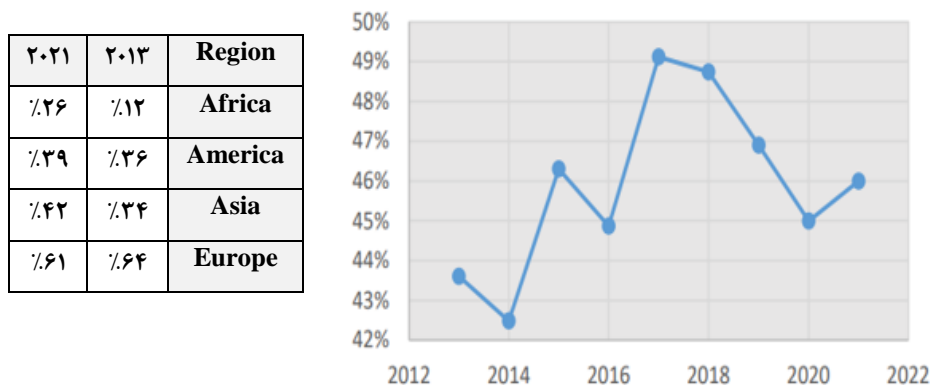
طی سال‌های متمادی مقدار پوشش تضمین سپرده با توجه به تولید ناخالص داخلی سرانه به‌عنوان یک معیار استاندارد برآورد گردید. به این صورت که میزان پوشش حق ضمانت سپرده در دامنه یک تا دو برابر تولید ناخالص داخلی سرانه در نظر گرفته شد. اگر میزان پوشش سپرده‌ها نسبت

1. Deposit Guarantee Schemes Directive

2. Han & Melecky

به تولید ناخالص داخلی سرانه کمتر از یک باشد، به این معنی است که بسیار کم در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر می توان این گونه تفسیر کرد که اگر میزان پوشش ضمانت سپرده کمتر از حد انتظار باشد، سپرده گذاران در رابطه با سپرده هایشان احساس خطر کرده و علی رغم وجود ضمانت سپرده، احتمال نکول آن ها در صورت ورشکستگی بانک همچنان بالا خواهد بود. در نقطه مقابل آن، زمانی که میزان پوشش ضمانت سپرده نسبت به تولید ناخالص داخلی سرانه بیش از دو باشد، این گونه تفسیر می شود که بیش از حد سخاوتمندانه در نظر گرفته شده است؛ چراکه می تواند باعث ایجاد ریسک پذیری بیش از حد مدیران بانکی شود و آن ها را به وام دهی بیش از حد سوق دهد که این خود مخاطرات اخلاقی را در شبکه بانکی به دنبال خواهد داشت. با این حال در پاییز ۲۰۰۸، در واکنش به بحران، دولت مقادیر پوشش ضمانت سپرده را به عنوان واکنشی آنی با توجه به وضع موجود بدون توجه به تولید ناخالص داخلی سرانه افزایش داد. این اقدام در کمال تعجب موفقیت آمیز بود. بدین ترتیب سطح پوشش ضمانت سپرده با توجه به دامنه یک تا دو برابر تولید ناخالص داخلی کفایت سرانه به طور ناگهانی منسوخ شد. رویه جدید مبنی بر افزایش پوشش ضمانت سپرده نه تنها هیچ گونه خطر اخلاقی یا ریسک پذیری بیشتر بانک ها را به همراه نداشت، بلکه برعکس، به عنوان اقدامی تعجب برانگیز از شدت و حدت بیشتر بحران و فروپاشی بانک ها جلوگیری کرد و به طور کلی ثبات مالی را برای سیستم های بانکی تثبیت کرد؛ در عوض این امر اهمیت پیدا کرد که سپرده گذاران چه دیدی نسبت به وجوه حمایتی توسط ضمانت سپرده دارند. اگر توده ای مهم از سپرده گذاران این نگرش را داشته باشند که مقدار پوشش خیلی پایین است، احساس عدم امنیت کرده و پیامدهای هجوم بانکی اثر سرایت و بی ثباتی مالی رقم خواهد خورد و برعکس. بدین وسیله اقدامات نظارتی سخت گیرانه تر و به دنبال آن تغییراتی که در سیاست ها و رویه های ضمانت سپرده ها به کار گرفته شد، احتمال مخاطرات اخلاقی را کاهش داد (برث و همکاران، ۲۰۲۱).

بنابه گزارش منتشر شده انجمن بین المللی بیمه گران سپرده در ۲۰۲۳، بالاترین سطح پوشش بیمه گران سپرده در اروپا با پوشش متوسط حدود ۶۰ درصد از کل سپرده ها رخ داده است. در مقابل، در آفریقا به طور متوسط تنها ۲۵ درصد از کل سپرده ها مورد پوشش قرار گرفته است. در نمودار (۱) تفاوت میزان پوشش، می تواند منعکس کننده ویژگی های منطقه باشد. در هر صورت، پوشش باید محدود و معتبر باشد، اکثریت سپرده گذاران را پوشش دهد و در عین حال مقدار قابل توجهی از سپرده ها را در معرض انضباط و امنیت بازار قرار دهد.



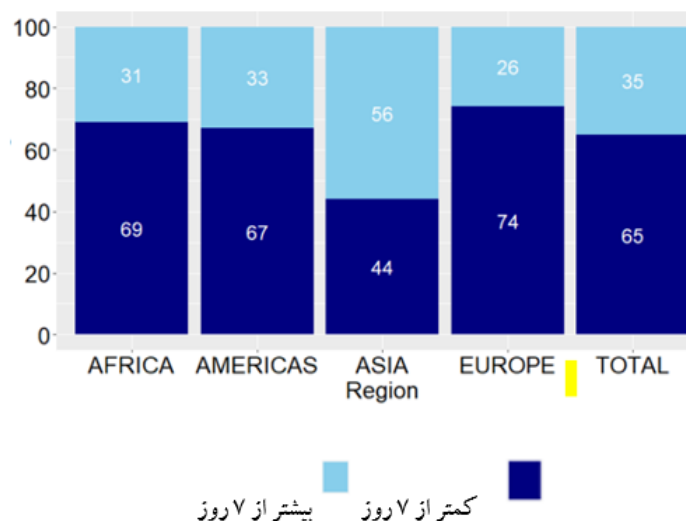
نمودار ۰۱. روند تغییرات نسبت پوشش توسط بیمه‌گران سپرده در جهان (گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده در سال ۲۰۲۳)

علاوه بر اهمیت مقدار پوشش، مکانیسم پرداخت نیز از ویژگی‌های مهم طرح ضمانت سپرده است. قبل از سال ۲۰۰۸، در نظام بانکی اکثر کشورهایی که از طرح ضمانت سپرده برخوردار بودند، پرداخت سپرده‌های بیمه‌شده ظرف ۳۰ روز پس از ورشکستگی رسمی بانک صورت می‌گرفت. در حالی که در حال حاضر، اکثر کشورها تمایل دارند زمان پرداخت را به هفت‌روز کاری یا کمتر کاهش دهند و در توسعه سیستم اطلاعات مدیریت و آماده‌سازی قبل از شکست سرمایه‌گذاری کنند تا پرداخت در اسرع وقت بدون ایجاد اختلال انجام شود. بدین ترتیب پس از بحران، بودجه مورد بازنگری قرار گرفت و ترتیبات تأمین مالی (پشتیبان) فوق‌العاده یا در قالب تأمین مالی تضمین‌شده از سوی دولت‌ها یا در قالب تسهیلات اعتباری فوری و تعهد پرداخت، تجدیدنظر و تقویت شد (در داخل اتحادیه اروپا). از آن نقطه به بعد، ضمانت سپرده به‌عنوان رکن چهارم شبکه ایمنی مالی شناخته شد (برث و همکاران، ۲۰۲۱).

طبق گزارش منتشرشده سال ۲۰۲۳ انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده^۱ (IADI)، بنابه بررسی‌های سالانه ۲۰۲۲، بیش از ۶۰ درصد از بیمه‌گذاران سپرده طبق اصول اساسی IADI، سپرده‌های بانک‌های بیمه‌شده را در یک بازه زمانی هفت‌روزه پرداخت می‌کنند. این امر به‌طور قابل توجهی بر اساس منطقه متفاوت است. در اروپا معمولاً درصد زیادی از بیمه‌گران سپرده (حدود ۷۴٪) به دلیل الزام به پایبندی به دستورالعمل سیستم ضمانت سپرده اتحادیه اروپا، بنابه پرداخت

1. International Association of Deposit Insurers

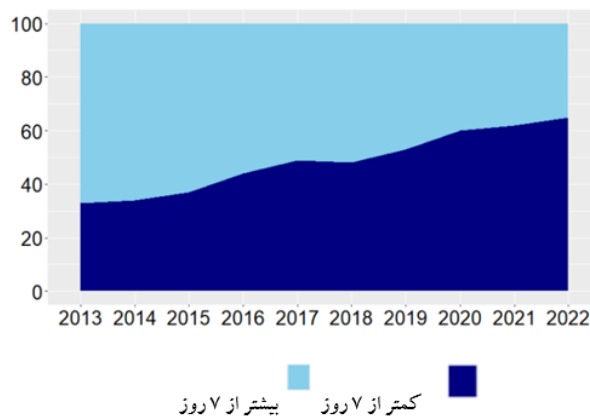
هفت روزه که در اصول اساسی مشخص شده، عمل می‌کنند. بهره‌وری پرداخت در سراسر جهان به‌عنوان اولویت و معیار اصلی به‌منظور افزایش اعتماد و امنیت بیمه‌گذاران سپرده، در نظر گرفته می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود حدود ۵۶٪ بیمه‌گران سپرده در آسیا بازپرداخت سپرده‌ها را طی مدت زمانی بیشتر از هفت روز انجام می‌دهند؛ بنابراین آسیا کمترین سهم را در به‌کارگیری این نوع مکانیسم پرداخت دارد. همچنین آفریقا و آمریکا نیز به‌ترتیب با برخورداری از سهمیه ۶۹٪ و ۶۵٪ از کل، بیشتر بر مبنای بازپرداخت در عرض کمتر از هفت روز در طرح ضمانت سپرده عمل کرده‌اند (نمودار ۲).



نمودار ۲. مکانیسم بازپرداخت بیمه‌گران سپرده در جهان (گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده در سال ۲۰۲۳)

با این حال، بهبودهای قابل توجهی در مورد بهره‌وری پرداخت مشاهده شده است؛ طوری که بنابه آخرین اطلاعات در طی ده سال گذشته (نمودار ۳)، سهم به‌کارگیری پرداخت در عرض هفت روز در کل جهان دو برابر شده است و به‌طور پیوسته از ۳۰ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۶۰ درصد در حال حاضر افزایش یافته است و این هم‌سویی و سازگاری روزافزون نظام بانکی کشورها را با اصول اساسی IADI نشان می‌دهد. با این حال برای ادامه این روند، تلاش‌های بیشتری لازم است تا برخورد مؤثر و

صحیح‌تری در مواجهه با تنگنانهایی که اصول اساسی IADI در مدت بازپرداخت بیمه‌گران ایجاد کرده است، صورت گیرد.



نمودار ۳. روند به‌کارگیری مکانیسم بازپرداخت بیمه‌گران سپرده در جهان (گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده در سال ۲۰۲۳)

تحلیل نقش سیستم ضمانت سپرده (DIS) در فرایند حل‌وفصل و ثبات نظام بانکی

ضمانت سپرده و حل‌وفصل بانک‌ها، ستون‌های مکمل شبکه ایمنی ثبات مالی در هر کشوری هستند. ممکن است وظایف آن‌ها از لحاظ ترتیبات قانونی و نهادی کاملاً از هم جدا باشد، اما از جمله وظایف مشترکی که همواره برای هر دو وجود دارد، حفظ ثبات مالی و جلوگیری از عدم اعتماد سپرده‌گذاران، بی‌ثباتی عملکرد بانکی و اثرات منفی سرایت مالی است (هافمن^۱، ۲۰۲۰). حتی اگر دو نهاد حقوقی متفاوت به‌صورت جداگانه مسئولیت ضمانت سپرده و حل‌وفصل نظام بانکی را بر عهده داشته باشند، باید همکاری آن‌ها نزدیک باشد زیرا مرز مشخصی بین این دو وجود ندارد. مقام اجرایی ضمانت سپرده و حل‌وفصل نظام بانکی می‌توانند در یک مرجع واحد ادغام شوند؛ طوری که ممکن است در آن تأکید بیشتری به ضمانت سپرده یا حل‌وفصل بانک‌ها داده شود (برث و همکاران، ۲۰۲۱).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نظام بانکی در بسیاری از کشورها به دلیل هم‌افزایی اقدامات نادرست، موانع قانونی و به کار بردن رژیم‌های ناکارآمد، هزینه‌های هنگفتی را از جمله هزینه‌های ورشکستگی تجربه کرده است که به تبع منجر به انتقال هزینه‌ها به مرجع ضمانت سپرده از طریق پرداخت وجوه تضمین شده به سپرده‌گذاران شده است. در نتیجه، براساس ادبیات تجربی، فرایند حل و فصل نظام بانکی همواره در حال تحول است. این امر، نقش مقامات ضمانت سپرده‌ها را در فرآیند حل و فصل پررنگ‌تر خواهد کرد (دابلر و آردا^۱، ۲۰۲۲). در گزارش‌های اخیر منتشر شده توسط انجمن بین‌المللی بیمه‌گذاران سپرده به نقش مهم بیمه‌گذاران سپرده در فرایند حل و فصل نظام بانکی به عنوان موضوعی کلیدی اشاره شده است و همواره تأکید می‌کند که حمایت مالی و یا سازمانی که بیمه‌گران سپرده توانسته‌اند در راستای مدیریت بحران بانکی با اجتناب از مراحل طولانی انحلال و ایجاد ثبات مالی ارائه کنند، بسیار مثر و ثمر واقع شده است (ون روسبیک و دیفانا^۲، ۲۰۲۳).

نقش سیستم ضمانت سپرده در فرآیند حل و فصل بانک، به زیرساخت کلی نظام مالی و مرجع نظارتی نظام بانکی در فرآیند حل و فصل بانک بستگی دارد. مقام ضمانت سپرده می‌تواند با توجه به سطح اختیارات مختلفی که برای آن توسط مرجع نظارتی تعریف می‌شود، در فرایند حل و فصل فعالیت کند. در واقع، مرجع نظارتی می‌تواند برای مقامات ضمانت سپرده محدودیتی‌هایی را در فرایند حل و فصل نظام بانکی ایجاد کند. این امر به گونه‌ای است که یک DIS ممکن است با اختیارات محدودی که در اختیارش گذاشته شود تنها بتواند در برخی از مراحل دخالت کند یا این‌که به طور فعالانه در کل فرایند حل و فصل شرکت کند. به عبارتی، این امکان وجود دارد که صندوق‌های ضمانت سپرده به طور فعال در تصمیمات مربوط به حل و فصل بانک‌های ورشکسته یا محتمل به ورشکستگی، طراحی یا بازنگری استراتژی حل و فصل و یا در تأمین مالی آن‌ها مشارکت فعالی داشته باشند.

به طور کلی، طیف اختیارات سیستم ضمانت سپرده بنابه اصول اساسی IADI به چهار گروه دسته‌بندی شده است (برث و همکاران، ۲۰۲۱). این طبقه‌بندی، بخش زیادی از نقش‌ها و مسئولیت‌های ضمانت سپرده را در برمی‌گیرد که از جمله می‌توان به مواردی از قبیل میزان دسترسی به ابزارهای حل و فصل بانک^۳، امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به حل و فصل بانک و ماهیت هرگونه مسئولیت نظارتی/نظارتی^۴ اشاره کرد (ون روسبیک و دیفانا، ۲۰۲۳). این دسته‌بندی

1. Dobler & Arda
 2. Van Roosebeke & Defina
 3. Bank Resolution
 4. Oversight/Supervisory

شامل سیستم‌هایی با مسئولیت کمتر تا آن‌هایی که مسئولیت‌های گسترده‌ای دارند، به شرح زیر تعریف شده است:

- DIS صندوق پرداخت محدود^۱؛

- DIS صندوق پرداخت ویژه^۲؛

- DIS کاهش دهنده هزینه^۳؛

- DIS کاهش دهنده ریسک^۴.

DIS صندوق پرداخت محدود، ساده‌ترین DIS با محدودترین اختیار است و هیچ نقش فعالی در حل و فصل بانک ندارد؛ به استثنای مواردی که مربوط به پرداخت سپرده‌های بیمه‌شده باشد. نقش DIS صندوق پرداخت محدود، بازپرداخت سپرده‌های بیمه‌شده در سریع‌ترین زمان و کارآمدترین زمان پس از وقوع ناتوانی مالی یا ورشکستگی است. در این نوع ضمانت سپرده، ضمانت‌کنندگان در اعمال اقدامات نظارتی شرکت نمی‌کنند (دمیرگوک کنت و همکاران^۵، ۲۰۱۴).

از این رو به دلیل محدودیت اختیارات و نقش محدود آن‌ها در حل و فصل نظام بانکی، انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده، از DIS صندوق پرداخت ویژه پیشرفته حمایت کرد. به این صورت که این سیستم بنا به اختیارات خود، از وجوه در دسترس برای حل و فصل بانک استفاده می‌کند و حتی ممکن است نقش فعال‌تری در فرآیند حل و فصل بانک داشته باشد. اگرچه DIS صندوق پرداخت ویژه تنها تصمیم‌گیرنده در مورد حل و فصل بانک نیست، اما می‌تواند وظایف تکمیلی دیگری را خارج از اختیارات صندوق پرداخت محدود انجام دهد.

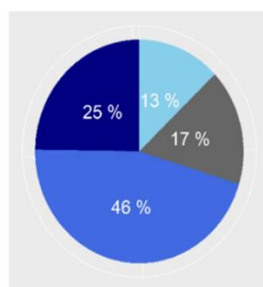
DIS کاهش دهنده هزینه، سیستمی است که در آن رسالت ضمانت سپرده را با کمترین هزینه انجام می‌دهد. در واقع در این نوع DIS، در زمان پوشش وجوه یا پرداخت سپرده به سپرده‌گذاران روشی که از کمترین هزینه برخوردار است، مدنظر قرار می‌گیرد. همچنین در این حالت، ممکن است تصمیم گرفته شود که سپرده‌های بیمه‌شده به بانک سالم دیگری انتقال یابد با این شرط که چنین عملی منجر به سودآوری شده و نسبت به روش‌های سنتی هزینه کمتری داشته باشد. DIS

1. Narrow Pay-box DIS
2. Paybox plus DIS
3. Loss minimizer DIS
4. Risk minimizer DIS
5. Demirguc-Kunt et al

کاهش دهنده هزینه، به طور فعال در حل و فصل بانک دخالت دارد و تصمیمات آن‌ها بر اساس هزینه‌های کلی حل و فصل است.

در نهایت DIS کاهش دهنده ریسک، سیستمی است که دارای اختیارات نظارتی است و قادر به انجام و اعمال اقدامات احتیاطی، برداشت بانکی، مجوز و اتخاذ تصمیمات مربوط به حل و فصل بانک، اجرای فرآیند حل و فصل و غیره، به منظور به حداقل رساندن ریسک‌های بانکی و وجوه سپرده‌گذاران است. DIS کاهش دهنده ریسک می‌تواند به منظور جلوگیری از ورشکستگی یک بانک ناتوان مالی، به ارائه حمایت مالی و مشارکت فعال در حل و فصل آن بپردازد.

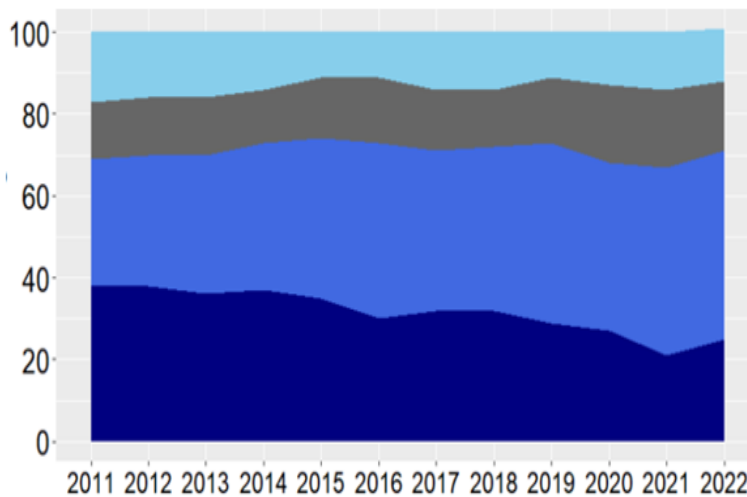
طبق گزارش منتشر شده انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده در سال ۲۰۲۳، بررسی‌های سالانه ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از بیمه‌گران سپرده از سیستم DIS صندوق پرداخت محدود استفاده می‌کنند، در حالی که سایر سیستم‌ها نقش بیشتری را در فعالیتهای حل و فصل بانک‌ها گذشته از بازپرداخت وجوه بیمه‌شده ایفا می‌کنند. امروزه رایج‌ترین نوع، DIS صندوق پرداخت ویژه است که حدود نیمی از تمام بیمه‌گران سپرده را تشکیل می‌دهد و برخی از مسئولیت‌های اضافی مانند وظایف حل و فصل را بر عهده دارد. این ممکن است شامل مشارکت فعال در فرآیند تصمیم‌گیری در مورد چگونگی حل و فصل بانکی، خواه به صورت یک‌جانبه یا با مشورت سایر شرکت‌کنندگان شبکه ایمنی مالی یا در مقام مشاوره باشد. سایر سیستم‌های ضمانت سپرده تعریف شده که به حل و فصل و نظارت می‌رسند، به ترتیب ۱۷ درصد از نوع کاهش دهنده هزینه و ۱۳ درصد از نوع کاهش دهنده ریسک می‌باشند (نمودار ۴).



نمودار ۴. سهم بیمه‌گران سپرده در به کارگیری انواع DIS (گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده در سال ۲۰۲۳)

نمودار ۴. سهم بیمه‌گران سپرده در به کارگیری انواع DIS (گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده در سال ۲۰۲۳)

نمودار ۵ به وضوح روند درصد تغییرات به کارگیری انواع DIS را طی دهه گذشته نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، به کارگیری DIS صندوق پرداخت محدود به نصف کاهش یافته است و از سال ۲۰۱۱ با سهم ۴۰٪ تقریباً به ۲۰٪ در سال ۲۰۲۱ رسیده است. همچنین، طبق گزارش سالانه ۲۰۲۲، این درصد ۲۵٪ شده است. این آمار نیز نشان‌دهنده نقش فزاینده بیمه‌گران سپرده در حل و فصل بانک‌ها است. دسته‌ای که بیشترین رشد را طی این دوره تجربه کرده است، DIS صندوق پرداخت ویژه می‌باشد. در این راستا، ممکن است دلایل متعددی از جمله تعریف اختیارات و تعهدات جدید برای بیمه‌گذاران سپرده برای کمک مالی، مشارکت در حل و فصل و یا افزایش دسترسی بیمه‌گذاران سپرده به ابزارهای اضافی حل و فصل بانک‌ها جهت این تحول وجود داشته باشد که باعث رشد و ارتقای به کارگیری صندوق پرداخت ویژه شده است.



■ DIS با پرداخت محدود
 ■ DIS با پرداخت ویژه
 ■ DIS کاهش هزینه
 ■ DIS کاهش دهنده ریسک

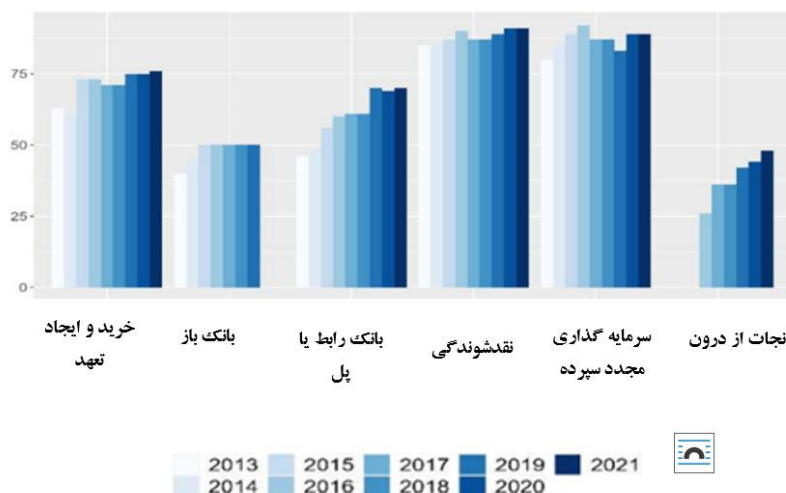
نمودار ۵. روند تغییرات به کارگیری انواع DIS طی دهه اخیر (گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده در سال ۲۰۲۳)

از سوی دیگر، موضوع انتخاب ابزارهای مناسب برای حل فصل نظام بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابه استانداردهای مطرح شده در قوانین شرکت ضمانت سپرده فدرال، ابزارهای مختلفی برای حل و فصل نظام بانکی به هنگام ورشکستگی وجود دارد. از جمله این روش‌ها، می‌توان به بازسازی سرمایه و ادغام بانک‌های ناتوان مالی با بانک‌های قدرتمندتر اشاره کرد. یکی دیگر از ابزارهای حل و فصل، استفاده از ابزارهای نجات از درون با استفاده از تغییر ساختار سرمایه است. در این روش به تغییر منابع تأمین مالی یعنی اقلام سمت چپ ترازنامه پرداخته می‌شود؛ طوری که با تبدیل بخشی از بدهی‌های ضمانت نشده بانک به سهام، از وضعیت بحرانی نجات پیدا می‌کند (محرابی، ۱۳۹۹). یکی دیگر از روش‌هایی که به منظور حل و فصل بانک‌های بحران زده به کار گرفته می‌شود، روش معامله خرید و ایجاد تعهد (P&A) است. در این روش، بانکی که از سلامت مالی برخوردار است برخی یا همه دارایی‌های بانک بحران زده را خریداری کرده و تمام تعهدات و بدهی‌های آن را که شامل سپرده‌های بیمه شده است، بر عهده می‌گیرد (اسچیلیگ، ۲۰۱۴). روش معامله خرید و ایجاد تعهد با توجه به سطح تعهدات شامل حالت‌های مختلفی از جمله معامله خرید و تعهد مینا، معامله خرید و پذیرش با تعهد کامل، بانک اصلاح یا تصفیه شده، خرید و پذیرش مسئولیت با مشارکت اختیاری در زیان و خرید و پذیرش مسئولیت در قالب بانک موقت است (عیسایی تفرشی و شیروانی، ۱۳۹۹).

در گزارش منتشر شده انجمن بین‌المللی بیمه‌گذاران سپرده (IADI) در سال ۲۰۲۲، آمارها نشان داد که طی سال‌های اخیر حدود ۷۰٪ از بیمه‌گران سپرده به‌طور غالب از روش معامله خرید و ایجاد تعهد (P&A) در فرایند حل و فصل بانک‌های بحران زده استفاده می‌کنند. حل و فصل نظام بانکی از طریق بانک پل یا رابط^۱ نیز از ۴۵٪ به ۷۰٪ افزایش یافته است. همچنین، روش تأمین مالی داخلی و نجات از درون^۲ نیز در فرایند حل و فصل طی سال‌های گذشته از ۲۵٪ به ۴۰٪ افزایش یافته است (نمودار ۶) (ون روسییک و دیفانا، ۲۰۲۳).

1. Bridge bank

2. Bail-in



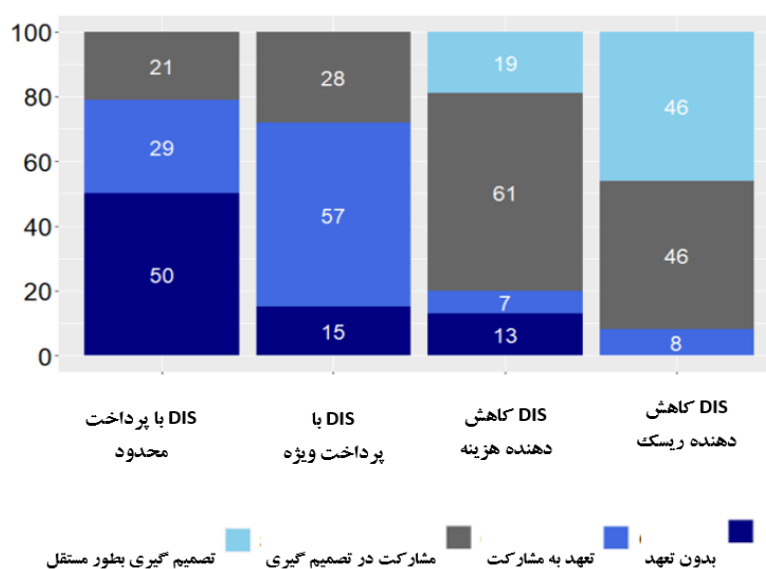
نمودار ۶. روند به کارگیری ابزارهای حل و فصل توسط بیمه‌گران سپرده در جهان بنابر گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده (۲۰۲۲)

در سال ۲۰۲۳ نیز نتایج حاکی از آن است که ابزارهای حل و فصل بدون پرداخت^۱ به صورت قابل توجهی توسط جامعه بیمه‌گران سپرده استفاده می‌شود. نتایج حاکی از آن است که ۶۰ درصد از منابع صندوق‌های ضمانت سپرده به منظور تأمین مالی اقداماتی همچون معامله خرید و ایجاد تعهد، ایجاد یک بانک رابط و تأمین سرمایه از داخل^۲ و حمایت نقدینگی به کار برده می‌شود. به طور کلی، آمارها حاکی از آن است که روند به کارگیری ابزارهای حل و فصل توسط بیمه‌گران سپرده طی سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است (نمودار ۶) (ون روسبیگ و دیفانا،^۳ ۲۰۲۳).

البته باید اذعان داشت که نقش بیمه‌گران سپرده در حل و فصل، بسته به وظایف آن‌ها و چارچوب‌های قانونی و حل و فصل موجود، به طور قابل توجهی در هر یک از کشورها متفاوت است. همچنین، در برخی از کشورها ممکن است وجوه بیمه‌گذار سپرده توسط سایر نهادها به عنوان ابزاری برای جلوگیری از بستن بانک از طریق فروش، ادغام، یا سایر اشکال حل و فصل به منظور به حداقل رساندن هزینه‌های حل و فصل یا به دلایل منافع عمومی مورد استفاده قرار گیرد. کاهش به کارگیری

1. Non-payout resolution
2. Bail-in
3. Van Roosebeke & Defina

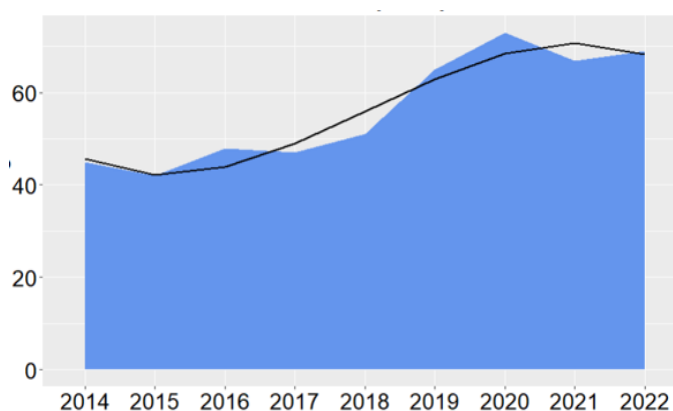
DIS صندوق پرداخت محدود (Pay-box) در طول زمان، نشان دهنده روند مشارکت بیشتر بیمه‌گران سپرده در حل و فصل است. این مشارکت به‌طور روزافزون در تصمیمات مربوط به فرایند حل و فصل نیز گسترش یافته است که به‌وضوح در نمودار ۷ نشان داده شده است. لازم به ذکر است که اکثریت بیمه‌گذاران سپرده با گستره اختیارات مختلف، این فرصت را دارند که حداقل در بحث‌ها و تصمیمات مرتبط شرکت کنند.



نمودار ۷. نقش انواع DIS در فرایند حل و فصل بانکی در جهان بنا بر گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده (۲۰۲۳)

همان‌طور که مطرح شد، رژیم حل و فصل بانکی کارآمد (نظام ضمانت سپرده) باید از اختیارات کافی برخوردار باشد تا بتواند با در اختیار داشتن طیف وسیعی از ابزارها رسالت حل و فصل نظام بانکی را با کارایی و اثربخشی بیشتر به سرانجام رساند؛ چراکه محدودیت در اختیارات، راه‌حل‌های محدود را در این فرایند به دنبال داشته که خود می‌تواند متحمل هزینه‌های بیشتری شود. این در حالی است که قانون اصلاح شرکت بیمه سپرده فدرال (۱۹۹۱)، شرکت بیمه سپرده فدرال را در اجرای فرایند حل و فصل ملزم به انتخاب گزینه‌ای کرده است که برای صندوق سپرده فدرال کم‌ترین هزینه را در پی داشته باشد. از این رو بنیان کار بر این گذاشته شد روشی برای حل و فصل امور بانک دچار بحران

مورد استفاده قرار گیرد که اثبات شود اولاً نظام حل و فصل برای حمایت از سپرده‌های بیمه‌شده ضروری است؛ دوماً روشی که برای حل و فصل استفاده می‌شود نسبت به سایر روش‌ها برای شرکت بیمه سپرده فدرال کم هزینه‌تر باشد. طبق گزارش ۲۰۲۳، همان‌طور که در نمودار ۸ مشاهده می‌شود، نقش چشمگیر و رو به رشد بیمه‌گران سپرده در فرایند حل و فصل بانکی (حدود ۷۰ درصد) حاکی از رعایت این محدودیت است (ون روسییک و دیفانا، ۲۰۲۳).



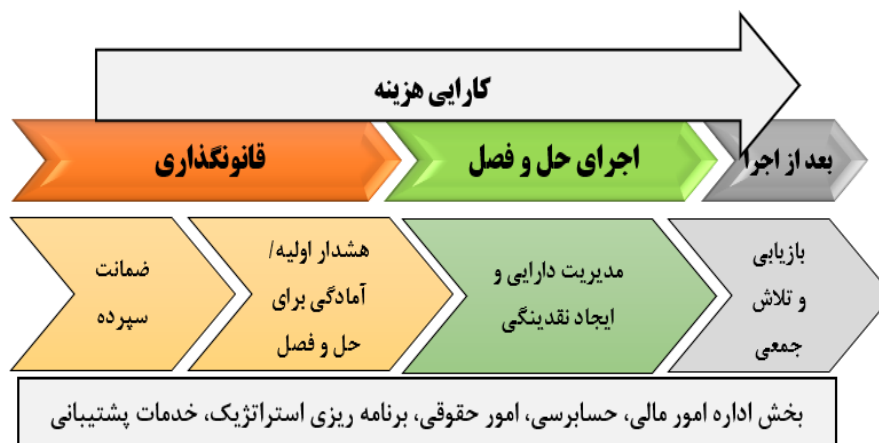
نمودار ۸. روند رعایت اصل حداقل کردن هزینه در فرایند حل و فصل بانکی بنابر گزارش سالانه انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده (۲۰۲۳)

همچنین، باید توجه داشت در شرایطی که چندین نهاد مسئول حل و فصل نظام بانکی هستند، لازم است چارچوب قانونی وجود داشته باشد تا بنابر آن اهداف و مسئولیت‌های فردی هر یک به وضوح بدون هیچ شکاف، همپوشانی یا ناسازگاری تعیین شود. از این رو، لازم است که توافق‌نامه یا پروتکل کتبی همکاری، در قالب یک نوع تفاهم‌نامه با جزئیات کامل تدوین شود تا براساس آن نحوه تبادل اطلاعات و همکاری‌های رسمی، تک‌تک وظایف و فعالیت‌های مورد انتظار را در کل فرایند مشخص و روشن سازد.

به‌طور کلی با توجه به آمارها و تفاسیر و تحلیل‌های صورت گرفته، می‌توان ماهیت عملکردی سیستم ضمانت سپرده در فرایند حل و فصل نظام بانکی را در سطح ملی کشورمان ایران، در قالب یک مدل به سه مرحله کلی قانون‌گذاری سیاست‌های رژیم حل و فصل بانکی، مرحله اجرای عملکرد حل و فصل و مرحله بعد از اجرا تقسیم کرد. در واقع، می‌توان این امر را در چهار گروه مورد تحلیل و

تفسیر قرارداد (شکل ۱). مرحله اول، مرحله قانون گذاری است. مرحله اول باید شامل تنظیم و اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سیستم ضمانت سپرده در فرایند حل و فصل بانک‌های بحران زده با توجه به شرایط اقتصادی کشور و نظارت بر بانک‌ها مبتنی بر سه ریسک بازار، اعتباری و عملیاتی شود. نظارت مبتنی بر ریسک موجب می‌شود تا شیوه نظارت سنتی بهبود یابد تا جایی که این امکان را فراهم می‌کند که ریسک‌هایی که ممکن است مانع رشد شرکت شوند را شناسایی و مدیریت کند تا احتمال وقوع این ریسک‌ها یا شدت تأثیر آن‌ها را در صورت وقوع، کاهش دهند. همچنین، این بخش می‌تواند ضمن هماهنگی با بخش مدیریت دارایی، در زمینه هشدار اولیه و آمادگی سیستم ضمانت سپرده به رژیم حل و فصل نظام بانکی فعالیت داشته باشد. در مرحله بعد (حل و فصل) سیستم ضمانت سپرده در بخش مدیریت دارایی می‌تواند با به‌کارگیری ابزارهای مؤثر رژیم حل و فصل همچون خرید و تعهد (P&A)، تغییر ساختار و یا تصاحب، بانک‌های بحران زده یا ورشکسته را به سمت بهبود و سلامت مالی سوق دهد. در نهایت، بعد از اجرای فرایند حل و فصل، مرحله بازیابی مطرح می‌شود. طرح‌های بازیابی، عنصری کلیدی از چارچوب مدیریت بحران محسوب می‌شود. طرح‌های بازیابی تضمین می‌کنند که بانک‌ها آماده هستند حتی در دوره‌های استرس مالی شدید، قابلیت بازیابی به موقع خود را فراهم کنند. روند بازیابی^۱ توسط تلاش جمعی کل مجموعه قابل اجرا خواهد بود؛ چراکه تمامی بخش‌های امور مالی، امور حقوقی، حسابرسی، برنامه‌ریزی استراتژیک و خدمات پشتیبانی در تمامی فرایندهای حل و فصل نظام بانکی به‌خودی‌خود دخیل هستند و می‌توانند در این مرحله متمرکز باشند. از جمله فعالیت‌هایی که در مرحله بازیابی انجام می‌شود می‌توان به اتخاذ توافقنامه بین صندوق ضمانت سپرده و اکثریت سهامداران مبتنی بر تغییر ساختار برای مطالباتی که از بانک‌های ورشکسته پذیرفته است، برنامه‌های تخفیف، فروش وام‌های غیر جاری شرکت‌ها و برنامه‌های تغییر زمانی وام‌های شرکتی اشاره کرد. در این راستا، صندوق‌های ضمانت سپرده در تعامل با بانک‌های تحت نظارت مستقیم بانک مرکزی موظفند برنامه‌های بازیابی و بهبود را پیش‌نویس و حفظ کنند و سالانه آن‌ها را برای ارزیابی و تأیید بانک مرکزی ارائه کنند. بدین ترتیب با برخورداری از برنامه‌های بازیابی و اضطراری و یک طرح حل و فصل مطلوب متناسب با ساختار بانک و سیاست‌های حاکم بر کشور بتوانند در شرایط بحران، زمینه را برای بازیابی یا حل و فصل مجدد این مؤسسات مالی بدون از دست دادن عملکردهای مهم سیستمی‌شان فراهم کنند. این طرح باید نشان دهد که صندوق ضمانت سپرده برای نجات بانک‌های بحران زده و ادامه فعالیت آن‌ها در مسیر

سلامت مالی در صورت بروز بحران بدون دخالت دولت چه کاری انجام خواهد داد. لازم به ذکر است که در تمامی این مراحل رعایت اصل حداقل هزینه در فرایند حل و فصل بانکی باید رعایت شود.



شکل ۱. مدل تحلیلی نقش ضمانت سپرده در فرایند حل و فصل بانکی بنابر یافته‌های تحقیق

در مجموع، این مکانیسم جذاب با محدود کردن مخاطرات اخلاقی در شبکه بانکی کشور باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری و اجرا شود که با کمترین هزینه و بیشترین کارایی، نظام بانکی کشور را به سمت بهبود مدیریت، کنترل ریسک و در نهایت افزایش ثبات مالی کشور سوق دهد. اهمیت این امر به گونه‌ای است که در سال‌های اخیر انجمن بین‌المللی بیمه‌گران سپرده (IADI) و تعدادی دیگر از سازمان‌های بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای بر حل و فصل بانک‌ها تمرکز کرده‌اند. IADI در چشم‌انداز سال مالی ۲۰۲۳-۲۰۲۴ تبیین کرده که رسالت و تلاش خود را در زمینه فعالیت‌های حل و فصل بانک‌ها در اولویت قرار می‌دهد و در جهت به‌روزرسانی دستورالعمل سال ۲۰۰۶ خود در این زمینه تلاش خواهد کرد. تنظیم‌کنندگان استاندارد بین‌المللی، از جمله هیئت ثبات مالی و اتحادیه اروپا نیز در سال‌های اخیر چارچوب مدیریت بحران بانکی و ضمانت سپرده را به‌طور پیوسته مورد بررسی قرار داده‌اند و همواره در صدد هستند فعالیت‌هایی را در راستای بهبود و کارآمدی بیشتر در حوزه نظام حل و فصل بانکی انجام دهند (ون روسیک و دیفانا، ۲۰۲۳).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت موضوع در این مطالعه، تلاش گردید ضمن ارائه مفاهیم نظری نظام حل‌وفصل بانک‌ها و سیستم ضمانت سپرده و اهمیت جایگاه آن‌ها در نظام بانکی کشور، با ارائه آمارهای جهانی و تحلیل در مورد هر یک، دید کامل و روشنی از عملکرد و جایگاه آن‌ها در نظام بانکی در سطح جهانی و به تبع به کارگیری آن در سطح ملی ارائه شود. علاوه بر این، به بررسی و تحلیل نقش و جایگاه ضمانت سپرده در فرایند حل‌وفصل نظام بانکی پرداخته شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مثر بودن نقش سیستم ضمانت سپرده در فرآیند حل‌وفصل نظام بانکی به چند عامل بستگی دارد: یکی از عوامل مؤثر در این امر، زیرساخت‌های موجود در نظام پولی بانکی کشور در فرایند حل‌وفصل بانکی است؛ چراکه میزان گستره اختیارات را برای مرجع اجرایی فرایند حل‌وفصل که در اینجا نظام ضمانت سپرده است، تعیین می‌کند، بنابراین پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی و مقام ناظر کشور باید به مرجع اجرایی حل‌وفصل بانکی (نظام ضمانت سپرده) اختیارات منعطف و کافی بدهد تا بتواند با در اختیار داشتن طیف وسیعی از ابزارها با در نظر گرفتن حداقل هزینه، رسالت حل‌وفصل نظام بانکی را با کارایی و اثربخشی بیشتر به سرانجام رساند. محدودیت در اختیارات، راه‌حل‌های محدود را در این فرایند به دنبال دارد که می‌تواند متحمل هزینه‌های بیشتری شود.

همچنین با توجه به ناتوانی مالی بعضی از مؤسسات مالی در ایران، به مقامات نظارتی و سیاست‌گذاران کشور پیشنهاد می‌شود که با توجه به اهمیت عملکردی سیستم ضمانت سپرده به عنوان یک مرجع تأثیرگذار در فرایند حل‌وفصل نظام بانکی، به بازنگری کلی و اعمال اصلاحات در قوانین و سیاست‌های ناظر به توقف و ناتوانی مالی مؤسسات مالی پرداخته شود. بدین وسیله نظام ضمانت سپرده کشور می‌تواند به طور فعال در تصمیمات مربوط به حل‌وفصل بانک‌های ورشکسته یا محتمل به ورشکستگی، طراحی یا بازنگری استراتژی حل‌وفصل و یا در تأمین مالی آن‌ها، مشارکت فعالی داشته باشند.

همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که از دیگر عوامل تأثیرگذار به کارگیری ابزارهای مناسب، توسط سیستم ضمانت سپرده به منظور حل‌وفصل نظام بانکی است. بدین منظور، پیشنهاد می‌شود که مرجع اجرایی ضمانت سپرده به منظور حل‌وفصل بانک‌های بحران‌زده و دچار ناتوانی مالی، باید به گونه‌ای عمل کند که با ویژگی‌های خاص شناخته شده بانک‌های عضو هماهنگ باشد تا عملکرد آن‌ها را به سمت کارایی و ثبات مالی بیشتر سوق دهد؛ چراکه عدم توجه به این امر حتی ممکن است

بانک بحران زده را بیشتر متحمل ضرر کرده یا حتی منجر به شکست آن شود و ثبات نظام مالی بیشتر مورد تهدید قرار گیرد.

به طور کلی می توان گفت که بنا به استانداردها و آمارهای جهانی، وجود یک نظام تخصصی برای حل و فصل بانک های بحران زده یا دارای ناتوانی مالی همچون سیستم ضمانت سپرده ضرورت دارد. از این رو لازم است نظام ضمانت سپرده کشور ضمن تلاش به منظور همسویی با استانداردهای جهانی، برنامه اجرایی خود را برای حل و فصل تهیه و به مقامات ناظر و بانک مرکزی ارائه نمایند تا بدین وسیله اصلاحات سازمانی، حقوقی و مالی لازم برای رفع موانع موجود به مرجع مذکور ابلاغ شود.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

طباطبایی نژاد، سید محمد (۱۳۹۴). کاستی های نظام ورشکستگی بانک ها در ایران. *فصلنامه حقوق*، (۱) ۴۵، ۱۱۳-۱۲۶.

عیسایی تفرشی، محمد؛ شیروانی، خدیجه (۱۳۹۹). بررسی فرایند حل و فصل در برخورد با بانک متوقف در حقوق آمریکا و امکان سنجی آن در حقوق ایران. *فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی*، (۲) ۲۴، ۲۷-۵۷.

محرابی، لیلیا (۱۳۹۷). شناسایی چارچوب قانونی گزیر برای بانک های اسلامی. *پژوهشکده پولی و بانکی*، بانک مرکزی جمهوری اسلامی.

محرابی، لیلیا (۱۳۹۹). بررسی نظام گزیر و نقش آن در بهبود نهادهای مالی ایران (با تاکید بر بانک های اسلامی). بررسی مسائل اقتصاد ایران، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، (۱) ۷، ۲۹۹-۳۲۱.

ب. انگلیسی

Beck, T., S. Da-Rocha-Lopes., & A. F. Silva. (2021). Sharing the Pain? Credit Supply and Real Effects of Bank Bail-ins, *The Review of Financial Studies*, 34(4), 1747-1788.

Brei, M., Gambacorta, L., Lucchetta, M., & Parigi, B. M. (2023). How Effective are Bad Bank Resolutions? New Evidence from Europe. *Journal of Financial Stability*, 67 (n. 374):101153.

Afnia, N., Yunus, M., & Putri, E. R. M. (2019). The Valuation of Deposit Insurance with Risk Using Fourier Transform. *Journal of Physics: Conference Series*, 1373(1):012033.

Anginer, D., & Demirguc-Kunt, A. (2018). Bank Runs and Moral Hazard: A Review of Deposit Insurance. In *Bank Runs and Moral Hazard: A Review of Deposit Insurance*, IMF Working Papers, 8589, 685–706.

Attinger, B. J. (2021). Crisis Management and Bank Resolution: Quo Vadis, Europe? *SSRN Electronic Journal*, 13, 1-52.

Balke, F., & Wahrenburg, M. (2019). Credibility of Bank Resolution Regimes and Market Discipline: Evidence from Corporate Deposits. *SSRN Electronic Journal*. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3494263>.

Barth, J. R., Nguyen, N., & Xu, J. (2021). Deposit Insurance Schemes. *Encyclopedia of Finance*, 1–17.

Bolton, P., & Oehmke, M. (2019). Bank Resolution and the Structure of Global Banks. *Review of Financial Studies*, 32(6), 2383–2421.

Britz, V., Gersbach, H., & Haller, H. (2021). Deposit Insurance and Reinsurance. *Annals of Finance, Springer*, 17(4), 425-470.

Dobler, M., & Arda, A. (2022). The Role for Deposit Insurance Funds in Dealing with Failing Banks in the European Union. *IMF Working Papers*, 2022(002), International Monetary Fund.

Dubois, C. (2021). Deposit Insurance and Financial Integration in the Eurozone: A DSGE Model. *Economics Letters*, 207.

Ebiaghan, O. F., & Jeroh, E. (2020). Deposit Insurance Fund and the Quality of Risk Assets of Nigerian Deposit Money Banks. *Management Science Letters*, 10(5), 1129-1140.

Gatti, M., & Oliviero, T. (2021). Deposit Insurance and Banks' Deposit Rates: Evidence From the 2009 Eu Policy. *International Journal of Central Banking*, 17(2), 171-206.

Grira, J., Hassan, M. K., & Soumaré, I. (2016). Pricing Beliefs: Empirical Evidence from the Implied Cost of Deposit Insurance for Islamic Banks.

Economic Modelling, 55, 152–168.

Han, R., & Melecky, M. (2013). Financial Inclusion for Stability: Access to Bank Deposits and the Deposit Growth during the Global Financial Crisis. *MPRA Paper*, Policy Research Working Paper Series 6577.

Hasan, I., Liu, L., Saunders, A., & Zhang, G. (2022). Explicit Deposit Insurance Design: International Effects on Bank Lending During the Global Financial Crisis. *Journal of Financial Intermediation*, 51:100958.

Hoelscher, D. S., Taylor, M., & Klueh, U. H. (2006). The Design and Implementation of Deposit Insurance Systems. *IMF Occasional Papers*, 251, 1–78.

Hofmann, C. (2020). The Role of Deposit Insurance in Bank Resolution. *Journal of Financial Regulation*, 6(1), 148–158.

Ignatowski, M., & Korte, J. (2014) Wishful Thinking or Effective Threat? Tightening Bank Resolution Regimes and Bank Risk-taking. *Journal of Financial Stability*, 15, 264-81.

Ji, Y., Bian, W., & Huang, Y. (2018). Deposit Insurance, Bank Exit, and Spillover Effects. *Journal of Banking and Finance*, 96, 268–276.

Kozińska, M. (2021). Role of Deposit Insurance Schemes on Financial Markets. *International Journal of Monetary Economics and Finance*, 14(1), 91–104.

Kryg, N., Tsomocos, D. P., & Hryckiewicz, A. (2022). Bank Resolution Mechanisms Revisited: Towards a New Era of Restructuring. *SSRN Electronic Journal*. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4080725>.

Martynova, N., & Perotti, E. (2018) Convertible Bonds and Bank Risk-Taking. *Journal of Financial Intermediation*, 35, 61-80.

Mohammad, K. U., & Nishiyama, S. I. (2019). An Empirical Investigation into the Effect of Explicit Deposit Insurance and Design on the Liability Structure of Banks. *Journal of Central Banking Theory and Practice*, 8(3), 179–206.

Noman, A. H. M., Hassan, M. K., Pervin, S., Isa, C. R., & Sok-gee, C. (2022). The Mediating Role of Competition on Deposit Insurance and the Risk-Taking of Banks in ASEAN Countries. *Research in International Business and Finance*, 59, 101551.

Peia, O., & Vranceanu, R. (2019). Experimental Evidence on Bank Runs with Uncertain Deposit Coverage. *Journal of Banking and Finance*.

Penikas, H. I. (2021). Premium for Implicit Deposit Insurance within Russian State Banks. *Voprosy Ekonomiki*, 10, 89–112.

Philippon, T., & Salord, A. (2017). Bail-ins and Bank Resolution in Europe: A Progress Report. *Geneva Reports on the World Economy*, 9781912179008.

Schillig, M. (2014). Bank Resolution Regimes in Europe Part II: Resolution Tools and Powers. *European Business Law Review*, 25(1), 67–102.

Stubbe, M. M. (2016). The G20 Leaders' Financial Reform and its Impact on EU banks' back-Office Function. *Journal of Securities Operations & Custody*, 8(3), 228–237.

Van Roosebeke, B., & Defina, R. (2022). Deposit Insurance in 2022: Global Trends and Emerging. *SSRN Electronic Journal*. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3980578>.

Van Roosebeke, B., & Defina, R. (2023). Deposit Insurance in 2023: Global Trends and Key Issues. *SSRN Electronic Journal*. <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/117046/>

Walther, A., & White, L. (2020). Rules versus Discretion in Bank Resolution. *Review of Financial Studies*, 33(12), 5594–5629.

Wu, Y. C., Chen, T. F., & Lin, S. K. (2020). Risk Management of Deposit insurance Corporations with Risk-Based Premiums and Credit Default Swaps. *Quantitative Finance*, 20(7), 1085–1100.

Ye, N. (2022). The Reform of Deposit Insurance in China: How China Evolves from Implicit Deposit Insurance to Explicit Deposit Insurance, *Asia Pacific Law Review*, 30(2), 265–286.

Zheng, D., Li, H., & Chiang, T. C. (2017). Herding within Industries: Evidence from Asian Stock Markets, *International Review of Economics & Finance*, 51, 487–509.

Zhu, B., & Niu, F. (2016). Investor Sentiment, Accounting Information and Stock Price: Evidence From China, *Pacific-Basin Finance Journal*, 38, 125-134.